

نقد هویت ملی و ایرانیت مورد تعریف روزنامه حبل‌المتین کلکته بر اساس پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی

مهدی فرجی*

چکیده

از دوره ناصرالدین شاه به بعد شاهد ظهور گفتمان ناسیونالیسم و تعریفی از هویت ملی بر اساس مولفه‌های «ابدی باوری» در ایران هستیم. تجربه یکصد ساله نشان می‌دهد که چنین تعریفی از هویت ملی در تحقق وحدت ملی و تأمین حقوق ایرانیان آسیب‌هایی داشته است. از سوی دیگر امروزه تعریف واحدی از هویت ملی در بین اندیشمندان و نخبگان وجود نداشته و بحث‌هایی جدی در این زمینه در جریان است. این در حالی است که حفظ ایران نیازمند ناسیونالیسمی مبتنی بر حق حاکمیت ملت، رضایت و تأمین حقوق و منافع همه اعضای ملت است. بر این اساس، بازخوانی و نقد تعریف هویت ملی بر اساس مولفه‌های «ابدی باوری» ضروری است. در این میان علیرغم اینکه حبل‌المتین به ترویج مناسبات دولت و ملت در معنی مدرن پرداخته اما هویت ملی را بر اساس مولفه‌های ابدی باوری تعریف می‌کند. سوال مقاله حاضر این است که بر اساس «پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی»، چه نقدی بر هویت ملی مورد تعریف نشریه مزبور وارد است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تعریف حبل‌المتین از ایرانیت و هویت ملی بر اساس تعریف قومی - فرهنگی از ملت بوده و نسبتی با ملت مدرن ندارد.

کلیدواژه‌ها: حبل‌المتین کلکته، ایرانیت، هویت ملی، ملت مدرن (سیاسی)، ملت قومی - فرهنگی.

* استادیار تاریخ و عضو هیئت علمی موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه تبریز،
mehdi_faraji1361@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷

۱. مقدمه

به دنبال ظهور تمدن جدید اروپایی، این تمدن همه جهان از جمله ایران را تحت تاثیر قرار داد. حکومت قاجاریه در واکنش به تهدیدات نظامی و اقتصادی تمدن جدید اروپایی در چند مرحله با اقتباس علوم و فنون جدید، اقدام به نوسازی نمود. از طرف دیگر به دنبال آشنایی ایرانیان با اندیشه‌ها و نظام‌های سیاسی مدرن، شاهد شکل‌گیری اندیشه‌های انتقادی و ترقیخواهی بویژه از دوره ناصرالدین شاه به بعد در جامعه هستیم. قریب به اتفاق اندیشه‌های مزبور، نظام استبدادی را ریشه‌تباهی‌های کشور ارزیابی نموده و خواهان استقرار دولتی قانونمند و دموکراتیک بودند. همچنین در همین دوره شاهد ظهور گفتمان ناسیونالیسم و تعریف هویت ملی بر اساس مولفه‌های «ابدی باوری» هستیم. این نوع از ملی‌گرایی و تعریف از ایرانیت، گسترش یافته و الگوی اصلی در تعریف هویت ملی و ایرانیت را به خود اختصاص داد و در دوره رضا شاه به سیاست رسمی دولت تبدیل شد.

نکته قابل ذکر اینکه تعریف و تحقق هویت ملی مبتنی بر رضایت و برابری شهروندان و تأمین حقوق و منافع فرداً فرد ملت، لازمه توسعه و وحدت ملی است اما همکنون هویت ملی و ایرانیت، تعریف واحدی در بین اندیشمندان و نخبگان نداشته و بحث‌هایی جدی در این زمینه وجود دارد. از طرفی آثاری در تقویت گفتمان ناسیونالیسم قومی و زبانی و از طرف دیگر آثاری در نقد آن عرضه می‌شوند. لذا می‌توان گفت که در خصوص مقوله هویت ملی چالش وجود دارد. به منظور حفظ ایران مقوله هویت ملی باید بر اساس حق حاکمیت ملت و در راستای تأمین حقوق برابر تک تک افراد ملت تعریف شود. تجربه یکصد ساله نشان می‌دهد که تعریف هویت ملی و ایرانیت مبتنی بر مولفه‌های «ابدی باوری»، در تحقق وحدت ملی و تأمین حقوق ایرانیان توأم با آسیب‌ها و چالش‌هایی بوده است. یکی از راهکارهای جبران و حل این آسیب‌ها و چالش‌ها، بازخوانی و نقد تعریف ایرانیت و هویت ملی از نوع یاد شده است. بر این اساس، بررسی انتقادی آثاری که در چارچوب چنین تعریفی از ایرانیت و هویت ملی قرار می‌گیرند، امری ضروری است.

با رویکرد مذکور، مقاله حاضر به نقد ایرانیت و هویت ملی مورد تعریف روزنامه حبل‌المتین کلکته خواهد پرداخت. روزنامه‌ای که به عنوان یکی از مهمترین روزنامه‌های منتقد و ترقیخواه دهه‌های پایانی دوره قاجاریه، استقرار دولت مدرن را راهکار اصلی ترقی کشور دانسته و در مقالات متعددی به تبیین و ترویج مناسبات دولت و ملت در نظام‌های

دموکراتیک پرداخته است لکن علیرغم تعریف مدرنی که از مفهوم و جایگاه ملت ارائه می کند، در تعریف ایرانیّت و هویت ملی ایرانیان، توجهی به مولفه های مدرن ندارد. مقاله پیش رو در تلاش است به این سوال پاسخ دهد که ایرانیّت و هویت ملی مورد تعریف و ترویج حبل المتین، با کدامیک از رویکردهای ملی گرایسی مطابقت دارد و بر اساس «پارادایم مدرنیستی ملی گرایسی» چه نقدی بر تعریف نشریه مذکور از مقولات مزبور وارد است؟

معیار و یا ابزار به کار رفته برای تحلیل، سنجش و نقد هویت ملی و ایرانیّت مورد تعریف روزنامه حبل المتین، «پارادایم مدرنیستی ملی گرایسی» و نیز مفهوم «ملت سیاسی» است. به عبارت دیگر مفاهیم و پارادایم هایی که در مقاله معرفی و استفاده شده اند، معیار و ابزار سنجش و نقد هستند. به همین منظور در بخش مباحث نظری، مهمترین ویژگی های مفهوم دولت و ملت مدرن و نیز مهمترین مدعیات دو رویکرد متمایز «ابدی باور» و یا «کهن گرا» (Perennialism) و رویکرد «مدرن گرا» (Modernism) که در ادبیات علوم اجتماعی، رویکردهای عمده در پیوند با مفهوم ملت و ملی گرایسی هستند، برشمرده و شرح داده می شوند.

در خصوص ادبیات تحقیق موضوع حاضر باید گفت که روزنامه حبل المتین کلکته در فاصله سال های ۱۳۱۱ - ۱۳۴۹ ق به مدت ۳۲ سال با دغدغه ترقی ایران، به فعالیت فکری - قلمی و ترویج مفاهیم و اندیشه های مدرن پرداخته است و هنوز زوایای مختلفی از اندیشه های این روزنامه تأثیر گذار، ناشناخته باقی مانده است و علیرغم اینکه چندین اثر به بررسی موضوعات مختلفی از نگاه حبل المتین پرداخته اند،^۱ لکن تا کنون هیچ پژوهشی به طور مستقل به بررسی مسئله هویت ملی از منظر این روزنامه نپرداخته است.

۲. مباحث نظری

مدعای مقاله حاضر این مسئله است که بین دریافت سیاسی (مدرن) از ملت، و تحقق دولت مدرن و نیز ملی گرایسی از نوع مدرنیسم، پیوند های نزدیکی وجود دارد. به عبارت دیگر، ملت سیاسی، منتهی به تأسیس دولت مدرن و نیز ملی گرایسی از نوع مدرنیسم می شود. ملی گرایسی مبتنی بر مدرنیسم معطوف تحقق حق حاکمیت ملت و تأمین رضایت و حقوق برابر فرداً فرد ملت بوده و تنوع قومی و فرهنگی را مخل وحدت ملی و ملیت نمی بیند. چرا که ملت مدرن (ملت سیاسی) از مولفه های عینی مانند قوم، زبان یا دین فراتر می

رود و تفاوت های قومی یا فرهنگی را به شمار نمی آورد و ساز و کارش فقط با افراد هم پیمانی است که آنها را به رعایت قوانین عام و یکسان برای همگان وا می دارد. اما دریافت «قومی - فرهنگی» از ملت، با دولت مدرن ناسازگار بوده و مانع از تحقق آن شده و منجر به شکل گیری ملی گرایی از نوع «ابدی باور» و متناسب با مولفه های عینی (طبیعی یا فرهنگی - تاریخی) می شود. این نوع تعریف از ملت، منجر به ناسیونالیسمی می شود که نه تنها تنوع قومی و فرهنگی را مانع تحقق ملیت و وحدت ملی تلقی می کند بلکه ملت را برتر از افراد و مقدم بر افراد تعریف می کند و این ملت است که به افراد هستی و هویت می دهد. در چنین تعریفی از ملت، افراد اساساً همانند اعضای یک ملت تعریف می شوند و نه همانند شهروندان یک دولت. چنین تلقی و تعریفی از ملت، منجر به اتخاذ رفتارهای افراطی و تهدید پروژه دولت مدرن می شود (باربیه، ۱۳۹۲: ۲۲، ۲۱۳-۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۳-۲۲۴؛ اسمیت، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶).

در این بین روزنامه حبل المتین که دریافت و تعریف نسبتاً صحیحی از مفهوم دولت و ملت مدرن داشته است اما در تعریف هویت ملی و ایرانیت، به معیارهای مدرنیسم پایبند نیست و بر اساس معیارهای «ابدی باوری» و یا تعریف «قومی - فرهنگی» از ملت، به تعریف هویت ملی می پردازد. به منظور سنجش تعریف حبل المتین از مفهوم دولت و ملت مدرن و نیز نقد هویت ملی مورد تعریف این روزنامه، در ادامه به توصیف مهمترین ویژگی های دولت و ملت مدرن و نیز شاخصه های دو رویکرد عمده در ارتباط با ملت و ملی گرایی یعنی رویکرد «ابدی باور» و «مدرنیسم» پرداخته می شود.

۱.۲ مفهوم دولت و ملت در اندیشه و نظام های سیاسی مدرن اروپایی

با توجه به اینکه نشریه حبل المتین در مقالات متعددی به ترویج اندیشه دولت مدرن و تبیین مناسبات دولت و ملت پرداخته است؛ در این مبحث به منظور ارزیابی دریافت نشریه مزبور از مفهوم دولت و ملت مدرن، اشاره ای به ویژگی های اساسی دولت مدرن و مناسبات دولت و ملت در نظام های دموکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی از جمله نظام مشروطه می شود.

با انقلاب مهاجر نشین های آمریکا و استقلال آنها از انگلیس و نیز با انقلاب فرانسه، نظام های سیاسی مدرنی پدید آمدند. در نظام های قدیم، قدرت به شکل شخصی و خودکامه اعمال می شد؛ لکن در سیستم مدرن، قدرت از طریق نمایندگی و به منظور تأمین

منافع عمومی اعمال می‌شد. ویژگی اصلی نظام‌های مدرن، استقرار قانون اساسی بود. قانون اساسی در مفهوم مدرن آن، باید یک منشوری به نام مردم می‌بود تا قدرت نهادهای اصلی دولت را مستقر و تنظیم نموده و مناسبات میان دولت و شهروندان را تعیین و بر اساس قانون اساسی عمل نماید (Loughlin, 2015:2). نظر پذیرفته شده و غالب این است که قوانین اساسی، حقوق اساسی را در جامعه دموکراتیک گرامی داشته و محافظت می‌کنند. بر پایهٔ این رویکرد، قانون اساسی، چارچوبی برای شهروندان ارائه می‌دهد تا با یک روش دموکراتیک رفتار نموده و بر اساس آن، به طور برابر مستحق احترام و اهمیت باشند (Bellemey, 2007:1). بطور خلاصه می‌توان گفت که در جامعهٔ دموکراتیک، مفهوم حقوق و احترام برابر حاکم است (Bellemey, 2007: 7).

مورکنس در بررسی اندیشهٔ مشروطه خواهی انگلیس می‌نویسد: مشروطیت در ارتباط با سه موضوع «حاکمیت قانون»، «تفکیک قدرت» و «روابط میان دولت و شهروندان»، اهداف اساسی خود را دنبال می‌کند (MURKENS, 2009: 441- 442). در ارتباط با محورها و اهداف مشروطیت می‌نویسد که حاکمیت قانون، یکی از اصول قانون اساسی است که تجزیه قدرت و اصل برابری همگان در پیشگاه قانون را در بر دارد. در خصوص مناسبات دولت و شهروندان، هر گونه دخالت دولت در آزادی و دارایی افراد باید در قوانین عمومی مشخص شود. لذا بر اساس اصل حاکمیت قانون، استقلال و شأن افراد مورد احترام قرار می‌گیرد (MURKENS, 2009: 442- 444).

افزون بر تعاریف مزبور از ویژگی‌ها و مولفه‌های دولت و ملت مدرن، تعریف موریس باریبه (Murice Barbier) از دولت مدرن، درکی دقیق از چیستی دولت مدرن و نیز تفاوت آن با دولت پیش مدرن ارائه می‌کند. باریبه در تلاشی برای تعریف دقیق و روشنی از ماهیت دولت مدرن، معتقد است که تفاوت‌هایی بنیادین و نه چندان آشکاری بین دولت‌های پیش مدرن و مدرن وجود دارد که آنها را از هم متمایز می‌سازد. برای مشخص نمودن این تفاوت‌ها، در تعریف ماهیت دولت پیش مدرن و مدرن می‌نویسد: در دولت پیش مدرن اعضای اجتماع، اجزای یک کل محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، افراد نه خود مختاری شخصی دارند و نه بیرون از جماعت، هستی مستقلی دارند. در این حالت گروه بر افراد برتری دارد و افراد تنها در گروه و به یاری گروه می‌توانند وجود داشته باشند. تفاوت بنیادین دولت مدرن، در جدایی میان دولت سیاسی و جامعه مدنی، میان عرصه عمومی و عرصه خصوصی و میان شهروند و فرد است (باریبه، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۹). این جدایی، دو نوع حقوق را پدید می‌آورد. نخست، حقوق شهروند یعنی حقوقی که به عنوان عضو دولت به

شهروند تعلق می‌گیرد و برای مشارکت در زندگی سیاسی برایش ضرورت دارد و آن را حقوق شهروندی یا سیاسی می‌توان اطلاق کرد. دوم، حقوق فرد به مثابه فرد، یعنی حقوقی که فرد همچون عضو جامعه مدنی دارد و برای زندگی و فعالیت‌های خصوصی‌اش ضروری است (باریبه، ۱۳۹۲: ۱۷۱). باریبه بر این باور است که نتیجه چنین تمایزی که ماهیت دولت مدرن بر اساس آن شکل گرفته، این می‌شود که انسان به جزئی از یک کل تقلیل نیابد که آن کل از او پیش رود و بر او تسلط یابد. جدایی میان دولت و جامعه و حقوقی که از آن صادر می‌شود، به انسان امکان می‌دهد تا از تسلط گروه رها شود و همانند فرد خودمختار، هستی داشته باشد (باریبه، ۱۳۹۲: ۱۸).

۲.۲ مفروضات پارادایم «ابدی باوری» و «مدرنیستی» در قبال ملت و ملی‌گرایی

در ادبیات علوم اجتماعی در پیوند با مفهوم ملت و ملی‌گرایی، عمدتاً دو رویکرد و رهیافت متمایز «ابدی باور» و یا «کهن‌گرا»، و رهیافت «مدرن‌گرا» وجود دارد. مهم‌ترین اصول و ادعاهای «ابدی باوران» و «مدرنیست‌ها» در تعریف و ساخت ملت بدین شرح است:

مدرنیسم	ابدی باوری
۱- «ملت یک اجتماع سیاسی سرزمینی شده، اجتماع مدنی با شهروندانی - به لحاظ حقوقی - برابر در یک سرزمین خاص است.»	۱- «ملت یک اجتماع قومی - فرهنگی سیاسی، یک اجتماع مبتنی بر نیاکان مشترک است.»
۲- پدیده‌ای هم متأخر و هم تازه‌ای است که محصول شرایطی کاملاً مدرن است.	۲- «یک موجودیت سرسخت، دیرینه و با قرن‌ها اگر نگوییم هزاره‌ها، سابقه تاریخی است.»
۳- «ملت یک آفریده است که آگاهانه و دانسته توسط اعضایش، یا آحاد و اجزای خودش ساخته می‌شود.»	۳- «ملت در زمان و مکان "ریشه دارد"؛ دارای وطنی تاریخی است.»
۴- «ملت را طبقات ممتاز آگاهانه می‌سازند و بر آنند که با نفوذ در شور و احساسات توده‌ها به هدف خود برسند.»	۴- «اجتماعی همگانی یا "اجتماع مردم" است و نیازها و آرزوهای آنها را منعکس می‌کند.»
۵- «تعلق به معنی مالکیت برخی منابع است. امکانی برای اقدام است.»	۵- «تعلق به یک ملت به معنی داشتن برخی صفات و کیفیات است. نوعی وضعیت بودن است.»
۶- «نوعاً چند پاره است و به گروه‌های اجتماعی (منطقه‌ای، طبقاتی، دینی و جز آن) با منافع و اهداف خاص خود تقسیم می‌شود.»	۶- «یک کل یکدست با اراده و خصلتی واحد است.»
۷- «اصول اتحاد ملی را می‌توان بر اساس ارتباطات اجتماعی و شهروندی قرار داد» (اسمیت، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶).	۷- «اصول اساسی ملت‌ها پیوندهای اجدادی و فرهنگ اصیل است.»

در توضیحی دیگر باید گفت که **ابدی باوری** به قدمت تاریخی آن نوع سازمان اجتماعی و سیاسی موسوم به «ملت» و خصلت دیرینه یا ابدیت آن تأکید دارد. در این نگرش، تفاوت اندکی بین قومیت و ملیت وجود دارد. ملت‌ها و اجتماعات قومی، پدیده‌های نزدیک به هم و حتی یکسانی هستند. ابدی باور، ملی‌گرایی را قبل از دورهٔ مدرن در مقام یک جنبش و ایدئولوژی سیاسی می‌پذیرد، اما ملت‌ها را یا بدل‌های متداول اجتماعات قومی کهن، یا هویت‌های فرهنگی جمعی تلقی می‌کند که همراه با اجتماعات قومی در همهٔ دوران‌های تاریخ بشری وجود داشته‌اند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۳۰۶).

رویکرد غلیظ‌تر ابدی باوری بر این باور است که ملت‌ها نوعی پدیدهٔ ابدی و ازلی (Perimordial) هستند که همواره وجود داشته‌اند و مفهوم آنها کاملاً با مفهوم قومیت نزدیکی دارد. در رویکرد افراطی‌تر ابدی باوری، ملت، نوعی «طبیعی» از اتحاد انسان‌ها به شمار می‌آید و این گرایش طبعاً در ملت‌های موجود هم، به دنبال یافتن «طبیعت» و «ذات» مشترک است (برتون، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

به رویکرد افراطی ابدی باوری در تعریف ملت‌ها، ملی‌گرایی «ارگانیک» گفته می‌شود. مدرنیسم، بین نوع «اختیار باور» ملی‌گرایی که ملت را جمع آزادانهٔ مردمان عاقلی می‌بیند که از روی اراده و بر مبنای فردی صورت گرفته است؛ و نوع «ارگانیک» ملی‌گرایی که معتقد است، ملت ارگانیسمی با خصلت ثابت و زایل‌نشدنی است که از بدو تولد بر ضمیر اعضای خود نقش می‌بندد و آنان هرگز نمی‌توانند خود را از آن خلاص کنند؛ تمایز قائل است. به باور ملی‌گرایی ارگانیک، جهان متشکل از ملت‌های طبیعی است و همواره چنین بوده است؛ ملت‌ها بنیاد تاریخ و بازیگران عمدهٔ نمایش تاریخ‌اند، ملت‌ها و خصلت‌هایشان ارگانیسم‌هایی هستند که به سهولت با تفاوت‌های فرهنگی‌شان معلوم و شناخته می‌شوند. در ملی‌گرایی از نوع ارگانیک که شکل افراطی‌تر ابدی باوری است، مفاهیم و ادعاهای بیولوژیک و نژادی مطرح است. لکن پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی، با تردید به این عقاید می‌نگرد. بر اساس پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی، جهان از ملت‌های «طبیعی» تشکیل نمی‌شود؛ ملت‌های «طبیعی» یا «ارگانیک»، ساخته و پرداختهٔ ذهن انسان‌ها است. بر اساس پارادایم مدرنیستی، ملت‌ها پیش از دوران مدرن، عمدتاً ناشناخته بودند و انسان‌ها تعلقات و وابستگی‌های متعدد و متکثری داشتند؛ اجتماعات دینی، شهرها، امپراتوری‌ها و پادشاهی‌ها بازیگران جمعی اصلی بودند و اکثر مردم، همبستگی و وفاداری محلی داشتند. از همین رو، ایدهٔ مدرنیستی ملی‌گرایی، با مطرح کردن مسائلی از این دست که

تعریف کردن خصلت و شناخت قطعی تفاوت‌های فرهنگی بسیاری از ملت‌ها در جهان معاصر، با در نظر گرفتن کثرت هویت‌های متداخل که افراد در آن قرار دارند، کار بسیار دشواری است، و اینکه نمی‌توان استمرار گروه‌های قومی و ملت‌ها را بر پایه توارث بیولوژیکی و ژنتیکی و تبیین‌های سوسیوبیولوژیکی توضیح داد؛ و این سوال که آیا واقعاً می‌توان صحت انتساب به نیاکان واقعی یا منسوب را تأیید کرد؟؛ به نقد ملی‌گرایی ارگانیک و تبیین بی‌اعتباری مفروضات این نوع از ملی‌گرایی می‌پردازد (اسمیت، ۱۳۹۴: ۲۸۲-۲۹۱؛ اسمیت، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۸).

رویکرد و مفروضات «ابدی باوری» و گرایش غلیظ تر همین رویکرد که تحت عنوان «ملی‌گرایی ارگانیک» از آن یاد شد، از سوی برخی محققین، تحت تعبیر «ملت قومی-فرهنگی» صورت بندی شده است. موریس باریبه در کتاب «مدرنیته‌ی سیاسی»، مفهوم «ملت قومی-فرهنگی» را در تعریف بسیار نزدیک و بعضاً تعریفی برابر با رویکرد «ابدی باوری» و «ملی‌گرایی ارگانیک»، چنین تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از مؤلفه‌های طبیعی و تاریخی از جمله قوم، فرهنگ، زبان، و دین در ساخت و تعریف «ملت قومی-فرهنگی» نقش دارند. این مؤلفه‌ها در میان یک گروه ملی مشترک و در ایجاد همبستگی میان آنها سهیم هستند. مؤلفه‌های مزبور، داده‌هایی عینی هستند که افراد از آغاز، به شکل منفعلانه آنها را دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، ملت محصول طبیعت و تاریخ است؛ نه مصنوع اراده‌ی افراد، حتی اگر افراد بعدها در خصوص آن تأمل کرده و فعالانه آن را پذیرفته باشند. لذا چنین ملتی را اعضایش آزادانه شکل نداده‌اند، بلکه پیش از آن‌ها وجود داشته و به آنها قبولانده شده است. در این رویکرد، افراد، ملت را تشکیل نمی‌دهند؛ بلکه برعکس، ملت است که به افراد هستی و هویت می‌دهد. بر همین اساس، گروه ملی از افراد تشکیل دهنده اش، اهمیت بیشتری دارد و این افراد، اساساً همچون اجزاء یک کل نمودار می‌شوند. در نتیجه، اعضاء تابع کل‌اند، به واسطه‌ی آن وجود دارند و برای آن دست به عمل می‌زنند. در واقع می‌توان گفت که از هستی ویژه و خودمختاری فردی برخوردار نیستند. برعکس، آن چه اهمیت دارد، همانا هستی و استقلال ملت است. افراد در خدمت ملت‌اند و در صورت لزوم باید هستی خود را فدای آن کنند (باریبه، ۱۳۹۲: ۲۱۳-۲۱۴).

باریبه مطابق با مفروضات و ادعاهای پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی، در تعریف ملت مدرن، تعبیر «ملت سیاسی» را بکار می‌گیرد و ملت مدرن و یا به تعبیر خودش، «ملت سیاسی» را اینگونه تعریف می‌کند: ملت سیاسی برخلاف «ملت قومی-فرهنگی» که بر

روی مؤلفه های عینی (طبیعی یا فرهنگی) استوار شده است؛ بر پیمانی ارادی- یا لااقل پذیرشی ضمنی- بنا شده است و فرض را بر تعهد یا رضایت شخصی می گذارد. بر همین اساس، ملت سیاسی از عناصر عینی مانند قوم، زبان، یا دین فراتر می رود، تفاوت های قومی یا فرهنگی را به شمار نمی آورد و هدف خود را بدون از میان برداشتن این تفاوت ها، فراتر از آنها قرار می دهد. ملت سیاسی می تواند تنوع قومی، زبانی یا مذهبی را در خود جای دهد، بدون آنکه خود را با یکی از آن ها (حتی اگر در اکثریت باشد یا نقشی تعیین کننده بازی کند) برابر بداند. در حالیکه «ملت قومی- فرهنگی»، داده ای عینی است که خود را به اعضایش می قبولاند؛ ملت سیاسی ساخته ای ذهنی است که به کمک ارادهٔ اعضایش تحقق می یابد. بر همین اساس می توان گفت که «ملت قومی- فرهنگی، طبیعی یا فرهنگی است و ملت سیاسی ارادی و قراردادی» (باریبه، ۱۳۹۲: ۲۳۱).

۳. حبل المتین و تعریف مدرن از مفهوم دولت و ملت

روزنامهٔ حبل المتین کلکته استقرار نظام دموکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی را راهکار اساسی ترقی ایران می دانست. بر همین اساس، سال ها قبل از صدور فرمان مشروطیت و در مقالات متعددی، به تبیین و ترویج مناسبات دولت و ملت در نظام های مدرن پرداخته است. مهمترین ویژگی های دولت و ملت مدرن از منظر حبل المتین را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

مشخصات مقاله	ویژگی های دولت و ملت مدرن
مقالهٔ «دولت و ملت»، (حبل المتین، ۱۵ ربیع الاول ۱۳۱۷، س ۶، ش ۳۶: ۴۲۴).	- اراده و توافق مردم شرط تشکیل دولت است. - نیاز به تأمین صلح و منافع مشترک، فلسفهٔ تشکیل دولت است.
مقالهٔ «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، (حبل المتین، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵: ۱۲-۱۳؛ حبل المتین، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۶: ۹-۱۰).	- تأکید بر اصل حاکمیت مردم و تأمین حقوق و منافع مردم و نقد نظریهٔ الهی سلطنت.
(حبل المتین، ۲۲ صفر ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۳: ۷-۸).	- تأکید بر مولفهٔ منافع و سرزمین مشترک به عنوان مهمترین عوامل تکوین ملت.
(حبل المتین، ۱۵ صفر ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۲: ۹).	- تأکید بر «مضار و منافع مشترکه» به عنوان مولفهٔ اساسی تشکیل ملت و فرعی بودن «تباينات ظاهره و اختلافات باطنیه».
مقالهٔ «دولت و ملت»، (حبل المتین، ۱۵ ربیع	- شرط موجودیت و ترقی دولت ها و ملت ها منوط بر

الاول ۱۳۱۷، س ۶، ش ۳۶: ۴۲۵)	تحقق اتحاد و شرط تحقق چنین اتحادی منوط بر تحقق «امنیت، آزادی و عدالت» است.
مقاله «مرآت عبرت»، (حبل‌المتین، ۲۹ ذالحجه ۱۳۱۷، س ۷، ش ۲۳: ۹).	- ترقی مملکت منوط به تحقق اتحاد و اتحاد هم منوط بر حاکمیت «قانون، مساوات و آزادی» است.
(حبل‌المتین، ۱۴ محرم ۱۳۱۸، س ۷، ش ۲۵: ۹).	- تبیین اصل آزادی در چارچوب مفهوم حقوق طبیعی انسان و تأکید بر اصل آزادی اندیشه و بیان به عنوان یکی از مولفه های اساسی دولت و ملت مدرن. - اصل آزادی، شرط تحقق «خیر و محسنات و منافع عمومی» است.
(حبل‌المتین، ۱۳ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۷: ۹-۱۰)	- «مراجعت به آراء جمهور و وضع قانون مشورت» و تحقق اصل آزادی و «قانون مساوات» راهکار اتحاد دولت و ملت است.
(حبل‌المتین، ۲۰ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۸: ۶).	- حاکمیت «آزادی افکار و مساوات» به جای استبداد موجب تأمین «حقوق ملیه و دولتی» (حقوق شخصی و سیاسی) افراد می شود.
(حبل‌المتین، ۲۰ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۸: ۷).	- حاکمیت «قانون اساسی» در اداره کشور شرط تشکیل دولت است. - «دولت یعنی اتفاق و اتحاد هیئت اجتماعی ملت که فرمان پادشاه، مطابق با آرای عمومی ملت باشد».
(حبل‌المتین، ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۹، س ۸، ش ۴۱: ۱۴؛ حبل‌المتین، ۴ جمادی الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۴۳: ۷).	- حاکمیت اصل «مساوات» شرط ترقی و تأمین کننده «حقوق ملیه» (حقوق فردی) است.
مقاله «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، (حبل‌المتین، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵: ۱۲).	- تأمین منافع ملت، فلسفه تشکیل دولت است.
مقاله «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، (حبل‌المتین، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵: ۱۲).	- «ملت اصل و دولت فرع اوست». - «دولت متغیر است و ملت قایم؛ ملت جوهر است و دولت عرض». - «ملت کل و دولت جزء؛ وجود جزء موقوف بر ثبات کل است».

روزنامه حبل‌المتین در بخشی از مقاله «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، آشکارا بر مولفه های دولت و ملت مدرن اشاره کرده و می نویسد:

ملت اصل و دولت فرع اوست این تحکم و تسلط را ملت بدولت داده- این بزرگی و جلالت از ملت بدولت رسیده- دولت مامور نیست از جانب ملت که ملت برای حفظ حقوق و آسایش نوع خود او را تحکم بخشیده- دولت بر ملت دارای همان تحکمی است که از طرف هیئت اجتماعی ملت باو داده شده. شرف و اعتبار و عزت و افتخار دولت

بملت است ... هستی دولت منوط بوجود ملت است - دولت متغیرست و ملت قایم - ملت جوهر ست و دولت عرض - اگر هیولای ملت متکون نشدی دولت صورت هستی نبستی - چه بسیار واقع شده که در یکقرن دولتی بچند سلسله تحویل و چند لباس تبدیل نموده و ملت را صورت ملیت برقرار بوده است. ملت کل و دولت جزء - وجود جزء موقوف بر ثبات کل است (حبل المتین، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵: ۱۲).

حبل المتین در مقاله مزبور، متأثر از اندیشه های مدرن، به فلسفه وجودی و چگونگی مشروعیت دولت اشاره کرده و توضیح می دهد که هدف از تشکیل دولت، تأمین امنیت و رفاه ملت است. در تبیین مناسبات دولت و ملت، اصالت را به ملت می دهد. ملت را منشأ قدرت و مشروعیت دولت دانسته و دولت را مرجع صاحب قدرتی تعریف می کند که از سوی ملت برای ادارهٔ جامعه و محافظت از حقوق ملت، مأموریت یافته است. هویت مستقل ملت (متشکل از افراد) و عدم وابستگی آنها به دولت، ویژگی اساسی دولت مدرن است که مقالهٔ مزبور به این نکتهٔ اساسی توجه نموده است. حبل المتین بار دیگر در ادامهٔ مقالهٔ «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، بر اصالت و حق تقدم ملت در مناسبات دولت - ملت، و مشارکت ملت در قدرت تأکید می کند و ملت را مالک و مدافع اصلی مملکت و منشأ قدرت و مشروعیت دولت و تأمین کنندهٔ هزینه های مالی دولت عنوان کرده و بر این مبنا، دولت را موظف به پاسخگویی در برابر ملت دانسته و حق نظارت بر عملکرد دولت را برای ملت محفوظ می داند. و بر اساس تعریف مدرن از مفهوم دولت - ملت، تأکید می کند که دولت باید بر مبنای رأی و نظر مردم عمل کند (حبل المتین، ۲۸ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۸: ۱۴).

۴. تعریف حبل المتین از ایرانیّت و هویت ملی و نقد آن بر اساس پارادایم

مدرنیستی

بر اساس مفروضات و ادعاهای رهیافت مدرنیستی ملی گرایی، در نقد کاربست عملی حبل المتین از مفهوم ملت باید گفت، علیرغم اینکه نشریه یاد شده، مفهوم ملت را در چارچوب اندیشهٔ دولت مدرن تعریف می کند و در مقالات مختلفی در تبیین مناسبات دولت و ملت، بر حقوقمندی ملت تأکید می ورزد و برخورداری ملت از حقوق را عاملی تعیین کننده در ترقی مملکت و حفظ استقلال و تمامیت کشور ارزیابی می کند؛ لکن در سال های قدرت گیری رضا خان، تعریفی که از ملت و هویت ملی ارائه می دهد، در تناقض با اندیشه های

نخستین خود و در مغایرت با مفروضات و ادعاهای مدرنیستی قرار داشته و هماهنگ با مفروضات ابدی باوری است. اهم ویژگی‌ها و ارکان هویت ملی و ایرانیّت از منظر حبل المتین به شرح ذیل است:

ویژگی‌ها و ارکان اساسی هویت ملی و ایرانیّت	مشخصات مقاله
- تأکید بر این نکته که، مولفه زبان رکن اصلی و یا یکی از ارکان اصلی ملیّت و هویت ملی است.	مقاله‌های «به خامه یکی از دانشمندان» (حبل المتین، ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۰، س ۱۰، ش ۲۱: ۱۵-۱۶)؛ «مدارس و جرائد» (حبل المتین، ۲ شعبان ۱۳۲۳، س ۱۳، ش ۶: ۱۶-۱۷)؛ «ناله جان گداز یا آه جگر سوز» (حبل المتین، ۱۱ شوال ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۱۳: ۱۲-۱۴)؛ «لغات اجنبی در زبان پارسی» (حبل المتین، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۱۷: ۴-۵).
- تعریف هویت ملی و ملت ایران با تأکید بر تاریخ و فرهنگ ایران باستان.	مقاله «راجع به معارف ایران»، (حبل المتین، ۲۲ شوال ۱۳۲۹، س ۱۹، ش ۱۸: ۹-۱۱).
- معرفی زبان فارسی به عنوان مهمترین رکن هویت ملی ایرانیان.	مقاله «زبان و ملیّت»، به نقل از روزنامه آفتاب تهران (حبل المتین، ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵: ۱۱-۱۳).
- تأکید بر سه مولفه «زبان، مذهب و عادات» به عنوان سه رکن مهم «ملیّت».	مقاله «جامعه ملیّت یعنی چه؟» به نقل از روزنامه آفتاب، (حبل المتین، ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵: ۱۴).
- معادل هم دانستن قومیت و ملیّت؛ تلقی قومی از مسئله ملی و ملیّت.	- تأکید بر مولفه زبان به عنوان اساس ملیّت.
- تأکید بر زبان فارسی به عنوان عامل اساسی در حفاظت از «شیرازه قومیت و ملیّت» ایرانیان.	- تأکید بر زبان فارسی به عنوان عامل اساسی در حفاظت از «شیرازه قومیت و ملیّت» ایرانیان.
- اشاره بر این نکته که «ملت»‌ها از یک قومیت و یک زبان شکل می‌گیرند.	- اشاره بر این نکته که «ملت»‌ها از یک قومیت و یک زبان شکل می‌گیرند.
- تأکید بر این نکته که ترقی و بقای جوامع منوط به «ارتقاء و استحکام قومیت» آن جوامع، و «استحکام قومیت» نیز، منوط بر مولفه زبان است.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت»، (حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۱).
- اشاره به این مسئله که تأثیر «وحدت لغت» (زبان واحد) در ایجاد وحدت و همبستگی، بیش از اشتراک در مذهب است.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت»، (حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۱).
- تأکید بر این مسئله که تداوم و حفظ «اساس قومیت»، منوط به «وحدت لغت» است.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت»، (حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۱).
- بقای «جنسیت» و «قومیت و ملیّت» ایرانیان وابسته به مولفه زبان است.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت»، (حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۴).

	<p>- معرفی زبان فارسی به عنوان «زبان ملی» و «آئینه ملیّت» ایرانیان. - تأکید بر این نکته که حفظ «ملیت و قومیت» ایرانیان منوط بر حفظ زبان فارسی است.</p>
<p>مقالهٔ «استعلاء و استدامه قومیت»، (حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۵).</p>	<p>- تنوع زبانی عاملی برای تهدید وحدت ملی و ایرانیّت است.</p>
<p>مقالهٔ «استعلاء و استدامه قومیت»، (حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۵).</p>	<p>- تأکید بر ضرورت اجرای سیاست یکسانسازی زبانی بواسطهٔ آموزش «فارسی خالص» به عنوان «زبان قومی» و «زبان وطنی».</p>
<p>مقالهٔ «اسلام زبان ندارد»، (حبل المتین، ۲۳ اسفند ۱۳۰۵، س ۳۵، ش ۱۳: ۴-۸).</p>	<p>- معرفی مولفهٔ زبان به عنوان یکی از ارکان «ملیت». - تأکید بر این نکته که زبان فارسی «زبان ملی» ایرانیان است.</p>
<p>مقالهٔ «اسلام لباس ندارد»، (حبل المتین، ۲۲ فروردین ۱۳۰۶، س ۳۵، ش ۱۶: ۸-۱).</p>	<p>- معرفی لباس به عنوان یکی از ارکان «ملیت» و تأکید بر ضرورت یکسان سازی لباس ایرانیان به منظور تحقق وحدت ملی.</p>
<p>مقالهٔ «اساس اصلاحات»، (حبل المتین، ۲۲ فروردین ۱۳۰۶، س ۳۵، ش ۱۶: ۹).</p>	<p>- تأکید بر این نکته که مولفهٔ زبان، رکن اساسی ملیّت است. - ابراز نگرانی از تنوع فرهنگی و زبانی برای هویت و وحدت ملی.</p>

افزون بر موارد فوق، مقالهٔ «نجات و سعادت ایران در سایه وحدت زبان ممکن است» نیز، مؤلفهٔ زبان را اساس ایرانیّت و هویت ملی ایرانیان معرفی کرده و پس از تأکید بر گسترش زبان فارسی و تأکید بر ضرورت متروک شدن زبان ترکی در خطهٔ آذربایجان، پیشنهاداتی جهت تحقق این اهداف ارائه کرده و در بخشی از این مقاله، با اساس قرار دادن مؤلفهٔ زبان به عنوان رکن اساسی ملیّت و ایرانیّت می نویسد:

.. یک آن اول زبان ملی ما را در محیط آذربایجان تعمیم و نشر فرمائید و محیط پاک ما را از این کلمات بی معنی و بی سر و بن که با زور شمشیر و وحشت استیلای تاتار و چنگیزها ما را لکه دار کرده و شکر خدا را فقط در تکلم محدود مانده، به ادبیات و روح ایرانیّت ما حلول نکرده از میان هیئت اجتماعی مان زودتر دور فرمائید (حبل المتین، ۱۷ شعبان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۷: ۱۱).

در بخش دیگری از مقالهٔ مزبور، در تحقیر زبان ترکی و مقدس جلوه دادن زبان فارسی

می افزاید:

چگونه باید فهماند بابا، روح عروس حضرت فاطمه، دختر نجیب پادشاه ایران شهربانو از این زبان بیزار است و این کلمات خنک با این شکل، راجع بملیت ما نبوده و بسبب تکلم این زبان، در میان تمام خارجه محقریم و هر آن هر ایرانی بدبخت، از طرف اهالی این محیط و از طرف جراید مزاح ترکیه تمسخر میشویم (حبل‌المتین، ۱۷ شعبان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۷: ۱۰-۱۲).

نویسنده در بخش سوم مقاله مزبور، زبان ترکی مردم آذربایجان و زبان عربی مردم خوزستان را مانع ایرانیت دانسته و می‌نویسد: «ایرانی با سواد، کمتر علیقه و حس وطنی دارد، ایرانیهای بی سواد که بعضی زهر آگین عربند و برخی آلوده ترک، چطور حس وطنی داشته باشند» (حبل‌المتین، ۹ رمضان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۹: ۱۰-۱۱). راه چاره را در تأسیس و گسترش مدارس ابتدائی در سراسر کشور و تلقین ایرانیت به دانش آموزان در کنار تحصیل می‌داند و در این خصوص می‌نویسد: «بجز از راه مدرسه ابتدائی و یاد دادن به بچه ایرانی سواد خواندن و نوشتن و به او تلقین کردن که تو ایرانی هستی و ایران روح تو است، دیگر هیچ راهی بنظر نمیرسد» (حبل‌المتین، ۹ رمضان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۹: ۱۱).

در توضیح نقد وارده بر مقالات حبل‌المتین، باید گفت که مؤلفه زبان که از سوی این روزنامه به عنوان رکن اصلی ملیت و هویت ملی ترویج می‌شود، بیشتر با همبستگی قومی در ارتباط است (گیدنز، ۱۳۹۱: ۳۵۹؛ برتون، ۱۳۸۷: ۲۳۵؛ گودرزی، ۱۳۸۵: ۳۲ و ۴۸-۴۹). روزنامه مزبور در حالی مقوله زبان را به عنوان رکن اساسی هویت ملی ترویج می‌کند که هویت ملی فراتر از مقوله زبان یا زبان رسمی بوده و بر اساس منافع مشترک تعریف می‌شود.

علاوه بر مورد فوق، تعریف حبل‌المتین از هویت ملی دارای ایرادات نظری است. این روزنامه در مقاله «جامعه ملیت چیست؟»، مفهوم «قومیت» و «ملیت» را در کنار هم و به یک معنی به کار می‌برد. دیگر اینکه، هویت ملی را نه بر اساس منافع و رضایت ساکنین مملکت؛ بلکه بر اساس مؤلفه‌های عینی و فرهنگی تعریف کرده و در دل تاریخ جستجو می‌کند و مشخصاً اعلام می‌کند که علت از بین رفتن «جامعه ملیت» برخی از «اقوام» در طول تاریخ، به این دلیل بوده است که سه مؤلفه زبان، مذهب و آداب و رسوم خود را در مواجهه با بیگانگان از دست داده‌اند (حبل‌المتین، ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵: ۱۴). افزون بر این، ضرورت تعریف و تشکیل هویت ملی و ملت را برای بازشناسی از غیر، مطرح کرده و علت از بین رفتن هویت ملی یا به تعبیر خودش «جامعه ملیت» را ناتوانی از

مواجهه با بیگانگان تبیین می کند. به عبارت دیگر هویت ملی و ملیت از منظر این مقاله، به منظور مقابله با نفوذ اجانب و هجمه های آنها تعریف و سازماندهی می شود. یعنی ملی گرای و هویت ملی نه بر اساس منافع ملی و کارکرد داخلی، به شکلی که دولت و ملت در معنای مدرن از حقوق و وظایف خود آگاه و در حفظ آنها کوشا باشند؛ بلکه برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی در قبال تشبّات بیگانگان تعریف می شود.

در نقد رویکرد مزبور باید اشاره کرد، افزون بر اینکه ملی گرای و هویت ملی می بایست موجب بازشناسی یک ملت از دیگر ملت ها و موجب وحدت جامعه در برابر تهدیدات خارجی باشد؛ الزامات داخلی و مهمتر دیگری نیز دارد. مهمترین لازمه ملی گرای و هویت ملی این بود که می بایست بر اساس حق حاکمیت ملت و نیز بر پایه منافع و مولفه های مشترک ساکنین شکل می گرفت. مضاف بر این، تعیین و تضمین حقوق و وظایف متقابل دولت و ملت و دموکراتیزه کردن سیاست، از ویژگی های دولت-ملت در معنای مدرن بود. «دولت ملی»، دولتی بود که نخستین بار پس از انقلاب های دموکراتیک قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹م بوجود آمد و تحولی در خاستگاه مشروعیت سستی حکومت ها ایجاد کرد. پس از تحولات فکری و سیاسی صورت گرفته در اروپا، دولت ملی، دولتی تعریف می شد که مشروعیتش بر پایه اصل «نماینده‌گی» از پایین، یعنی از موجودیت مدرنی به نام «ملت» (Nation) تأمین می شد.^۲ تحقق این موجودیت مدرن (ملت) نیز منوط به تحقق حق حاکمیت ملت بود (داوری، ۱۳۶۵: ۲۷ و ۳۲). بر همین اساس می توان گفت که جیل المّتین در ملی گرای و تعریف هویت ملی، توجهی به الزامات داخلی آن نمی کند. ایراد دیگر مقاله مزبور این است که مؤلفه های سه گانه ای که به عنوان ارکان سازنده هویت ملی بر می شمارد، مؤلفه های همبستگی قومی هستند و هویت ملی در معنای مدرن، فراتر از مولفه های قومیت و زبان، مذهب و تبار است. اساس هویت ملی، مبتنی بر منافع مشترک است. ترویج تعریفی که ریشه ملت و هویت ملی را در دل تاریخ و با مؤلفه های همبستگی قومی جستجو می کند، نشان می دهد که جیل المّتین، درک صحیحی از مفهوم مدرن ملت و هویت ملی ندارد و یا بنا به هر دلیل و شرایطی، به اصول مفهوم مزبور پایبند نمانده است.

آنچه در هویت ملی و تعریف مدرن ملت باید اساس قرار گیرد، منافع ملی است و بر این اساس اگر چه مؤلفه زبان و مذهب در شکل گیری و حفاظت از هویت ملی می توانند کمک حال باشند، لکن شرط اساسی و کافی نیستند. شرط اساسی و کافی باید مؤلفه هایی

باشند که با نبود آنها هویت ملی از بین برود. با فقدان و تضعیف زبان، این هویت و همبستگی قومی است که از بین می‌رود نه هویت ملی. هویت ملی قائم به مؤلفه زبان نبوده و نیست. مؤلفه‌های اساسی هویت ملی عبارت از سرزمین مشترک، منافع سیاسی و اقتصادی مشترک، دولت مشترک، حقوق و نهادهای مشترک و احساس روانشناختی مشترک در تعلق به آن منافع مشترک و در دفاع از آنها است (صدر الاشرافی، ۱۳۸۶: ۶۶) که با از میان رفتنشان، هویت ملی به خطر افتاده و از بین می‌رود.

رضا داوری در مباحث خود در خصوص ناسیونالیسم و ملت به درستی اشاره می‌کند که مؤلفه زبان، رکن اساسی ملت نیست چرا که «اشتراک در زبان از حیث زمان مقدم بر پیدایش ملت نیست و ای بسا که ملت بوجود می‌آید و زبان مشترک با پیدایش ملت قوام پیدا می‌کند» (داوری، ۱۳۶۵: ۳۷). وی در تبیین نسبت زبان مشترک و شکل‌گیری ملت، در کتاب «ناسیونالیسم و انقلاب» نکات قابل تأملی دارد که در نقد ملت و ایرائیت مورد تعریف مقالات حبل‌المتین نیز مفید است. او بر این باور است که زبان فارسی در قرن دوم هجری در حال شکل‌گیری بود و در حال تبدیل به زبان علم و ادب بود اما با پیدایش زبان فارسی ملت ایران بوجود نیامد. زبان مشترک، یکی از شرایط وجود ملت است و معمولاً همراه با پیدایش ملت، زبان ملی هم بوجود می‌آید نه اینکه هر وقت زبانی هست و هر مردمی که زبان مشترک دارند و هر جا که زبانی بوجود می‌آید ملتی هم تشکیل شود. احتمال دارد مردمی زبان مشترک داشته باشد اما با وجود آن، نتوان عنوان مدرن ملت بر آنها اطلاق کرد. از طرف دیگر ممکن است که چندین ملت به یک زبان حرف بزنند ولی یک ملت نباشند. مردم کشورهای مختلفی در جهان به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند و زبان رسمی آنها انگلیسی است اما همه آنها جزء یک ملت نیستند. اشتراک در یک زبان برای تحقق ملت کافی نیست (داوری، ۱۳۶۵: ۳۷-۳۸) ملت زمانی پدید می‌آید که مردم به حق حاکمیت خود، آگاه شده و قانونگذار باشند. (داوری، ۱۳۶۵: ۲۷، ۳۲، ۴۰ و ۴۲).

به کار بردن مفهوم «قومیت» و یا «قومیت و نوعیت» به جای هویت ملی (حبل‌المتین، ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۰، س ۱۰، ش ۲۱: ۱۵-۱۶)؛ منوط کردن هویت ملی به زبان در مقالات متعددی که پیشتر معرفی و مورد بررسی واقع شدند؛ ورود لغات عربی به زبان فارسی را باعث تضعیف هویت و فرهنگ ایرانی دانستن (حبل‌المتین، ۲۲ شوال ۱۳۲۹، س ۱۹، ش ۱۸: ۹)؛ تکریم شاهنامه فردوسی و افسانه‌های کیومرث، هوشنگ، جمشید و فریدون و جستجوی ایرانیت در دوره باستان (حبل‌المتین، ۲۲ شوال ۱۳۲۹، س ۱۹، ش ۱۸: ۱۰)؛ ایران

را «مملکت کیخسرو و کیقباد» تلقی کردن و حسرت کشیدن از شکوه ایران باستان(حبل المتین، ۲۲ شوال ۱۳۲۹، س ۱۹، ش ۱۸: ۱۰-۱۱)؛ پذیرش «زبان، مذهب و عادات» به عنوان مهمترین ارکان ملیّت و هویت ملی(حبل المتین، ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵: ۱۴)؛ به کار گیری مترادف دو مفهوم متفاوت «قومیت» و «ملیت» و پیش کشیدن مفاهیم ژنتیکی در تعریف ایرانیّت در جایی که می نویسد: «ما تحصیلکرده هایی لازم داریم که خون ایرانیّت را تحصیلات در عروق آنها فاسد نکرده ...» (حبل المتین، ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵: ۱۴-۱۵) و جایی که حفظ «جنسیت» ایرانیان و «قومیت و ملیّت» آنها را منوط به حفظ زبان فارسی عنوان می کند(حبل المتین، ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵: ۱۴)؛ تعریف هویت ملی بر اساس زبان واحد(حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۱)؛ معرفی زبان فارسی به عنوان «زبان ملی» و «آئینه ملیّت» ایرانیان و تأکید بر ضرورت حفظ «ملیت و قومیت» ایرانی از راه حفظ «زبان ملی» در مقالهٔ «استعلاء و استدامه قومیت»(حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۴)؛ تأکید بر متروک ساختن زبان ترکی، اساس قرار دادن مؤلفه زبان در تعریف هویت ملی، تأکید بر راهبرد یکسان سازی زبانی در مقالهٔ «نجات و سعادت ایران در سایه وحدت زبان ممکن است»؛ تحقیر زبان ترکی و مقدس جلوه دادن زبان فارسی در مقالهٔ مزبور؛ پیوند زدن هویت ملی به گذشته و متوسل شدن به روایت مشکوک از دواج حسین بن علی (ع) با شهربانو^۳ و ادعای بیزار بودن شهربانو از زبان ترکی (حبل المتین، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶: ۱۰-۱۱)؛ برابر دانستن تکلم به زبان فارسی با ایرانیّت، تلقی تهدید آمیز از زبان های ترکی و عربی مردم آذربایجان و خوزستان برای ایرانیّت و مغایر فرض نمودن تکلم به زبان های غیر فارسی با ایرانیّت در مقالهٔ «ضررهای معارف ایران» (حبل المتین، ۱۷ شعبان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۷: ۹)؛ معرفی آذربایجان در مقالهٔ مزبور به عنوان سرزمین باستانی و «مینو نشان» که «آتش زرتشت» در آن شعله ور بوده و ادعای اینکه آذربایجانی ها از نژاد ایرانی بوده و زبان ترکی آذربایجانی ها میراث مهاجم چنگیز است(حبل المتین، ۱۷ شعبان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۷: ۹)؛ مغایر دانستن زبان ترکی مردم آذربایجان و زبان عربی مردم خوزستان با ایرانیّت در مقالهٔ دیگری به نام «نجات و سعادت ایران در سایه وحدت زبان ممکن است» و طرح ضرورت تلقین ایرانیّت به دانش آموزان غیر فارسی زبان سراسر کشور، در مقالهٔ مزبور(حبل المتین، ۹ رمضان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۹: ۱۱)؛ همراهی با رویکرد مجلهٔ آینده و سر دبیر آن (محمود افشار) مبنی بر مغایرت تنوع زبانی و فرهنگی با ایرانیّت و نیز همراهی با این مجله در پروژه

به اصطلاح ایرانی نمودن اقوام ایران از طریق یکسان سازی زبانی و فرهنگی (حبل المتین، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۴، س ۳۳، ش ۳۴: ۱۴)؛ همگی، داده های مهمی هستند که رویکرد و پارادایم حبل المتین در تعریف و ساخت ملت و ملیت را آشکار می کنند و نشان می دهند که نشریه یاد شده در تعریف و ساخت هویت ملی و ایرانیت به جای تأکید بر مولفه ها و منافع مشترک ساکنان سرزمین ایران، در حالی بر مؤلفه زبان تأکید می کند که عدّه کثیری از ایرانیان، به زبانی غیر از زبان فارسی تکلم می کنند. علاوه بر آن، در مواردی مفاهیم قومیت و ملیت را برابر دانسته و ریشه هویت ملی و ایرانیت را در تاریخ و نمادهای باستانی جستجو می کند و نیز تنوع قومی و زبانی را مانع ایرانیت، و اقوام غیر فارسی زبان را غیر ایرانی محسوب می کند، یکسان سازی زبانی را مهمترین راه ایرانی کردن اقوام غیر فارسی زبان و مهمترین وسیله ساخت هویت ملی و ایرانیت عنوان می کند. بر این اساس، رویکرد حبل المتین، رویکرد و رهیافتی است که با غفلت از اصول و مبانی ملت و ملی گرایي و هویت ملی مدرن عرضه می شود و با رویکرد و مفروضات «ابدی باوری» و «ملی گرایي ارگانیک» و به تعبیر دیگر با تعریف «قومی - فرهنگی» از ملت مطابقت دارد. «ملی گرایي فرهنگی» هم پیامدهای زیانباری دارد. بدین توضیح که این نوع از تعریف و ساخت ملت، نسبت به گروه های دیگر طرد کننده و ناسازگار است و چون اعضای خود را گرامی می دارد و کسانی را که از لحاظ قومی و فرهنگی متفاوت هستند، نمی پذیرد؛ ناچار، به نژاد پرستی روی می آورد و به اقدامات افراطی از قبیل جابجایی توده های مردم، کشتار جمعی، پاک سازی قومی یا نسل کشی می انجامد (باریبه، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۵). همچنین این نوع تعریف از ملت، به سبب اینکه ملت را برتر از فرد تعریف می کند، پروژه دولت مدرن را تهدید می کند. زیرا منافع و حقوق افراد را قربانی جمعی به نام ملت می کند و شرایط را برای گذار از دولت پیش مدرن به دولت مدرن دشوار می کند (باریبه، ۱۳۹۲: ۲۲).

علیرغم اینکه مجموعه مقالات حبل المتین به مقولات استقلال ملی، وحدت ملی و هویت ملی به عنوان سه هدف اساسی ناسیونالیسم متوجه هستند، لکن دریافت کامل و مدرنی از این سه مفهوم نداشته و در تعریف و تحقق آنها با غفلت هایی مواجه است و آن اینکه در بحث استقلال، افزون بر اینکه استقلال عبارت از رهایی از هرگونه اجبار خارجی است، متضمن آزادی سیاسی و حق تعیین سرنوشت برای مردم در داخل مملکت نیز هست. نکته دیگر اینکه، حبل المتین مفهوم وحدت سرزمینی را با یکسان سازی ملت، اشتباه گرفته است. در رویکرد مدرن به ملت و ملی گرایي، ایده آل ناسیونالیستی وحدت، به

دنبال یکسان سازی عینی فرهنگی و شبیه سازی نیست؛ بلکه خواهان این است که اعضای ملت برخوردار از احساس الفت و همبستگی باشند و بر همین اساس در مورد همهٔ مسائلی که دارای اهمیت ملی هستند، هماهنگ و هم صدا با هم عمل کنند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۳). اما علیرغم این، منورالفکرانی از قبیل محفل جبل المتین، با رویکرد «ابدی باور» و با تلقی ارگانیکی، در تعریف هویت ملی و ایرانیّت، به یکسان سازی زبانی و فرهنگی نظر داشتند. چنین تعریفی به دلیل احساس خطر از تنوع قومی و فرهنگی و نادیده گرفتن حقوق و استقلال افراد و نیز مغایرت با رضایت و منافع ساکنین کشور، علاوه بر اینکه مغایر با تعریف مدرن از ملت بود، اساساً مدرنیتهٔ سیاسی که مبتنی بر جدایی میان دولت سیاسی و جامعه مدنی، جدایی میان عرصه عمومی و عرصه خصوصی و میان شهروند و فرد بود را نیز با تهدید مواجه می نمود.

۵. نتیجه گیری

روزنامهٔ جبل المتین کلکته یکی از محافل تأثیر گذار منورالفکری ایران بود که در دهه های پایانی عهد قاجاریه و نخستین سال های دورهٔ پهلوی با دغدغهٔ ترقی ایران به فعالیت فکری و قلمی می پرداخت. این نشریه همانند دیگر منورالفکران این دوره، نظام خودکامهٔ شخص محور را ام الفساد تمام تباهی ها و ناکارآمدی های مملکت تشخیص داده و استقرار دولت دموکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی را مهمترین راهکار برون رفت از وضع موجود می دانست. از همین رو در مقالات متعددی بر ضرورت استقرار دولت مدرن در ایران تأکید کرده و به تبیین اساسی ترین معیارهای دولت و ملت مدرن پرداخته است. لکن علیرغم دریافت مدرن از مفهوم ملت، تعریفش از ایرانیّت و هویت ملی ایرانیان، مغایر با مولفه های مدرن ملت و ملی گرایی است. نخست اینکه تعریف جبل المتین از ملت و ایرانیّت، با تأکید بر حق حاکمیت و قانونگزاری ملت، و بر اساس مشارکت، اراده و یا رضایت ضمنی ساکنان ایران تعریف نشده است. یعنی ملت و ایرانییتی که تعریف می کند، از بالا از سوی نخبگان طراحی و از سوی دولت باید اعمال و تحمیل شود. دوم اینکه با چنین تعریفی، هویت بسیاری از ایرانیان در معرض فراموشی و نابودی قرار می گرفت و در نهایت منجر به برخورداری عده ای از ایرانیان از حقوق و امتیازات مختلف و محروم ماندن عدهٔ دیگر می شد و این، مغایر با اصل مساوات و حقوقمندی مورد تأکید دولت مدرن و دریافت سیاسی از ملت بود. سوم اینکه ایرانیّت و هویت ملی مورد تعریف و تأکید مقالات جبل

المتین نه بر اساس مولفه های ملت مدرن، بلکه بر اساس مولفه های قومی و پیشا مدرن از قبیل زبان، تاریخ و سمبل های باستانی و خصوصیات عینی ارائه می شود و در نهایت به سیاست یکسان سازی زبانی منتهی می شود. از منظر پارادایم مدرنیستی، مولفه زبان، جزء مولفه های همبستگی قومی و ایلی است و این نوع از همبستگی، مرحله ای قبل از مرحله همبستگی ملی است و با آن فاصله دارد. زیرا منافع ملی (منافع آحاد ملت) را تأمین نمی کند و به سیاست یکسان سازی زبانی می انجامد. سخن آخر اینکه ایرانیت و ملی گرایی مورد تعریف و ترویج حبل المتین، پدیده ای ساخته شده بر اساس توافق و قرارداد نیست بلکه موجودیتی است تاریخی و سخت که باید واجد برخی صفات و کیفیات خاص از پیش تعیین شده باشد. ملت مورد نظر حبل المتین بر عکس ملت مدرن (ملت سیاسی) که می تواند متنوع و یا چند پاره بوده و با اهداف و منافع گوناگون شکل بگیرد، منحصرأ باید یکدست و با خصلت واحدی باشد. در واقع تعریف حبل المتین از مفهوم ملت و هویت ملی با تعریف ابدی باوران و تعریف قومی- فرهنگی از ملت متناسب بوده و نسبتی با ملت مدرن ندارد.

پی نوشتها

۱. مهمترین تحقیقات صورت گرفته در خصوص اندیشه های روزنامه حبل المتین کلکته عبارتند از: مهدی فرجی (۱۳۹۶). «موضع فکری و عملکرد سیاسی روزنامه حبل المتین کلکته در منازعه مشروطه خواهی و مشروعه طلبی». مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی مشروطیت: رویکرد ها و جریان های فکری- سیاسی در مشروطیت ایران. تبریز: دانشگاه تبریز؛ شیرین شریفی، غلامحسین زرگری نژاد و سینا فروزش (۱۳۹۵). بررسی حمل و نقل در دوران قاجار و تأثیر آن بر تجارت، بر اساس مندرجات روزنامه حبل المتین کلکته، پژوهش نامه تاریخ، س ۱۱، ش ۴۴؛ منصور بخت، قباد و مهدی فرجی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). مفهوم و ارکان مشروطیت در روزنامه حبل المتین کلکته. جامعه شناسی تاریخی. دوره ۷، ش ۳؛ مهدی فرجی (۱۳۹۳). الگوی اصلاح و نوسازی ایران دوره قاجار از منظر منورالفکران ایرانی هند با تکیه بر روزنامه حبل المتین کلکته (۱۳۴۶-۱۳۱۳ق / ۱۳۰۶-۱۲۷۴ش)، رساله دکتری، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی.

۲. برای آشنایی با روند تحول نظام های سیاسی سنتی به شکل جدید دولت- ملت و ویژگی دولت ملی ن. ک: هابس باوم، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۳۲؛ برتون، ۱۳۸۷: ۲۵۸-۲۵۹؛ داوری، ۱۳۶۵: ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۳۷.

۳. آرتور کریستنسن پژوهشگر تاریخ ساسانیان، ماجرای ازدواج حسین بن علی با شهربانو دختر یزدگرد سوم را ثابت شده نمی‌داند (کریستنسن، ۱۳۸۴: ۳۶۴)، مرتضی مطهری نیز این مسئله را مشکوک می‌داند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۱۶-۱۱۷).

کتابنامه

- اسمیت، آنتونی. دی (۱۳۹۴). *ناسیونالیسم و مدرنیسم*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: ثالث.
- اسمیت، آنتونی. دی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*. ترجمه منصور انصاری تهران: موسسه مطالعات ملی.
- افشار، محمود (۱۳۵۲). *آینه*. ج ۱، تهران.
- باربیه، موريس (۱۳۹۲). *مدرنیته ی سیاسی*. ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: آگه.
- برتون، رولان (۱۳۸۷). *قوم شناسی سیاسی*. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- جبل المتین، ۱۵ ربیع الاول ۱۳۱۷، س ۶، ش ۳۶.
- _____، ۲۹ ذالحجه ۱۳۱۷، س ۷، ش ۲۳.
- _____، ۱۴ محرم ۱۳۱۸، س ۷، ش ۲۵.
- _____، ۱۵ صفر ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۲.
- _____، ۲۲ صفر ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۳.
- _____، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵.
- _____، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۶.
- _____، ۲۸ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۸.
- _____، ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۹، س ۸، ش ۴۱.
- _____، ۴ جمادی الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۴۳.
- _____، ۱۹ محرم ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۶.
- _____، ۹ ذی الحجه ۱۳۲۰، س ۱۰، ش ۲۱.
- _____، ۲ شعبان ۱۳۲۳، س ۱۳، ش ۶.
- _____، ۱۳ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۷.
- _____، ۲۰ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۸.
- _____، ۲۲ شوال ۱۳۲۹، س ۱۹، ش ۱۸.
- _____، ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵.
- _____، ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶.
- _____، ۵ ذیقعه ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۱۵.

_____ ، ۱۱ شوال ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۱۳.

_____ ، ۱۷ شعبان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۷.

_____ ، ۹ رمضان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۹.

_____ ، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۱۷.

_____ ، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۴، س ۳۳، ش ۳۴.

_____ ، ۲۳ اسفند ۱۳۰۵، س ۳۵، ش ۱۳.

_____ ، ۲۲ فروردین ۱۳۰۶، س ۳۵، ش ۱۶.

داوری، رضا (۱۳۶۵). *ناسیونالیسم و انقلاب*. بی جا: دفتر پژوهشها و برنامه ریزی فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی.

صدر الاشرافی، ضیاء الدین (۱۳۸۶). *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان*. به کوشش ماوی چیچکلر. طهران: اندیشه نو.

کریستن سن، آرتور (۱۳۸۴). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: صدای معاصر.

گودرزی، حسین (۱۳۸۵). *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). *جامعه شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: صدرا.

هابس باوم، اریک. جی (۱۳۸۳). *ملت و ملی گرایی (۱۷۸۰ - برنامه، اسطوره، واقعیت)*. ترجمه علی باش، مشهد: انتشارات مهر دامون.

Bellemy, Richard (2007). *Political Constitutionalism: a republican defence of the constitutionality of democracy*. New York: Cambridge University Press.

Loughlin, Martin (January 2015). "The Constitutional Imagination", *THE MODERN LAW REVIEW*, VOL 78, No 1, pp. 1-25.

MURKENS, JO ERIC KHUSHAL(2009). "The Quest for Constitutionalism in UK Public Law Discourse", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 29, No. 3, pp. 427-455.